

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نکاتی از سخنرانی پنجشنبه، ۱۷ دی ۱۳۹۴

آیه مورد بحث

«وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»

اقامه نماز مختص معصوم صلوات الله عليهم و خشوع در نماز مومنین

خدای متعال به اولیای معصومین خود صلوات الله عليهم مناصبی مانند نبوت، رسالت و امامت عطا کرده است. بنابر بعضی از آیات کریمه و روایات، حق تعالی این گروه از بندگان را در بعضی از تکالیف شرعیه از سایرین جدا کرده است. در این آیه کریمه «وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ»، به این امر اشاره شده است. حق تعالی در سوره مبارکه ی مؤمنون، در توصیف مؤمنین عادی می فرماید: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ». کمال کیفیت نمازهای مؤمنین کامل و واقعی، در صورتی که از اولیای معصومین صلوات الله عليهم نیستند، این است که در نماز خود خشوع دارند. دل و قلب این افراد پس از ادراک عظمت حق تعالی نمی تواند وضعیت عادی خود را حفظ کند.

صدای مرحوم آیت الله بهجت رضوان الله تعالی علیه در نمازهای جهریه، مثل نماز صبح و نماز مغرب و نماز عشا، پس از خواندن سه-چهار آیه از سوره ی مبارکه ی حمد، بی اختیار بالا می رفت، اما خود را کنترل می کرد و صدا را به حال عادی می آورد، زیرا اگر آن تن صدا را ادامه می داد، نماز باطل می شد. مرحوم حاج آقا رضوان الله تعالی علیه، پدر بنده، حشره الله مع اولیائه می فرمود: ما در درس مرحوم آیت الله حائری در قم شرکت می کردیم و ماهی شش صد ریال از ایشان شهریه می گرفتیم. گرفتن این شهریه موجب شده بود که ما در کامل بودن اخلاص خود در نماز جماعت، هنگام اقتدا به ایشان شک کنیم. برحسب روایات در کتاب صلاة، فضیلت نماز جماعت بسیار زیاد است، به خصوص اگر کسی بخواهد در جوانی خود غیر از انجام تکالیف عادی، کمی هم در سیر و سلوک وارد شود.

ایشان می فرمود ما در نماز جماعت مرحوم آقامیرزا جواد آقای ملکی تبریزی شرکت می کردیم. در آن نماز پس از گفتن تکبیره الاحرام، آن چنان ذهن ما از شرایط مادی بیرون می رفت که در رکعات هم اصلاً متوجه نبودیم و فقط تبعیت از امام جماعت می کردیم، تا ایشان سلام نماز را می داد. پس از سلام نماز، ما فوراً احساس می کردیم که کجا و در چه شرایطی هستیم. این بزرگوار چه می کرد که افرادی که پشت سر او نماز می خواندند از عالم مادیت جدا می شدند و به یک عالم دیگر می رفتند؟ این افراد مثل مسافران هواپیما بودند که فقط برخاستن از باند و نشستن روی آن را متوجه می شود و چگونگی سیر در آسمان را درک نمی کند.

از مرحوم آیت الله بهجت شنیده شده است که من در عمر خود نتوانستم یک نماز عادی بخوانم. ایشان از شاگردان مرحوم آیت الله قاضی رضوان الله علیه در نجف بوده است. آن بزرگوار با روح شاگردان خود چه کرده بود؟ اما ما یک نماز با توجه به حق تعالی و بریدن از غیر او، نعوذ بالله، نخوانده ایم. احکامی که در دین مقدس اسلام برای همگان وارد شده، غالباً احکام فردی خاص نیست، بلکه هر کدام سازنده ی یک بعد از ابعاد جامعه است. خدای متعال امر به خواندن نماز فرموده و مشخصات نماز حقیقی و واقعی را هم فشرده بیان فرموده است. اگر انجام آن عمل فیزیکی،

خاصیت «تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» را ندارد، باید دانست که نماز حقیقی خوانده نشده و فقط ان شاء الله رفع تکلیف شده است.

روش دشمن برای ضایع کردن امنیت اخلاقی جامعه

دشمن‌های ما، دشمن‌های خدای متعال و دشمن‌های مسلمین فکر کرده‌اند و متوجه شده‌اند که از چه راهی به خداپرست‌ها ضربه بزنند که خرج آن کم و عایداتش برای آن‌ها زیاد باشد. رضاخان به دستور آن‌ها کشف حجاب کرد. افراد متدین خود را نگاه داشتند و از خانه بیرون نیامدند. در سه سالگی به همراه مرحومه والدهام به حرم حضرت علی بن موسی الرضا صلوات‌الله‌علیه مشرف شده بودیم. هنگام خروج پاسبانی پشت در ایستاده بود و می‌خواست چادر خانمها را بکشد. مرحومه والده با دیدن پاسبان، من را گذاشت و فرار کرد.

در همان ایام هنگام ورود به حرم شریف، یکی از خدام به والده که دست من را گرفته بود، گفت: خانم خجالت نمی‌کشی که پیش روی امام هشتم صلوات‌الله‌علیه چادر سرت کرده‌ای؟ وقتی معرفت انسان متدین نسبت به اصول و فروع دین، معرفتی ناشی از آگاهی واقعی نسبت به احکام نباشد، چنین طرز فکری به وجود می‌آید. این مرد تا چند سالگی شنیده بوده است که خانمها باید حجاب داشته باشند. بعد رضاخان در ذهن او وارد کرده است که این کیفیت و این هیئت برای زن‌ها کیفیت و هیئتی نیست که با طبیعت و انسانیت سازگار باشد. او هم این مطلب را باور کرده است. البته اگر انسان متدین و باشعوری بود، آبروی خود را جلوی مردم نمی‌برد و چنین حرفی نمی‌زد.

نتیجه‌ی دین‌داری جاهلانه و دور از شعور مناسب انسان، این است که با تغییر محل زندگی فرد، مثلاً از جنوب شهر به شمال آن، آداب و رسوم او هم عوض می‌شود. حال آن‌که خدای متعال احکام را برای بندگان خود قرار داده که با اجرای آن، جامعه‌ساز باشند. در آیات کریمه و زیارت‌هایی که برای اولیای خدا وارد شده، این تعبیر در مورد ائمه صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین وارد شده است، که این گروه اقامه‌ی نماز می‌کنند، یعنی نماز را به پا می‌دارند. این تعبیر به این معنی است که سطح شعور الهی این بزرگواران بالاتر از سطح شعور متدینین غیر معصوم است. ایشان روش تبدیل جامعه به یک جامعه‌ی نمازگزار را می‌دانند. در چنین جامعه‌ای مردم به میل خود از نماز جدا نمی‌شوند و نیازی به قوه‌ی قهریه برای مراقبت آن‌ها در امر نماز نیست.

در سوره‌ی مؤمنون خدای متعال می‌فرماید: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»، اما در آیه‌ی کریمه‌ی مورد بحث، نسبت به معصومین صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین می‌فرماید: این گروه اقامه‌ی نماز می‌کنند. در زیارت‌ها هم نسبت به ائمه صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین آمده است که "يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ". انسان باید در حالی که حکمت و عمق تکلیف شرعی را فهمیده است به آن عمل کند و بداند که این عمل باید چه خاصیتی داشته باشد تا عمل حقیقی واقعی باشد. با توجه به اختلاف عملکرد والدین و فرزندان در امر دین، می‌فهمیم که در این چند سال اخیر به سرعت به عقب برگشته‌ایم.

معیارهای الهی در تشکیل خانواده

بعضی مراجعه کنندگان مطرح می‌کنند که همسر آن‌ها که از او صاحب فرزند هم شده‌اند، نماز نمی‌خواند. نمازی هم که انسان با تهدید بخواند باطل است. فرهنگی که سابق در امر ازدواج‌ها رایج بود در زمان حاضر کنار گذاشته شده است. دین‌داری شرط پذیرش خواستگار نیست و تنها پول داشتن و آزاد گذاشتن همسر ملاک است. هنگامی که پدر و مادر در فرزند خود احساس استقلال فکری کردند، باید در جستجوی مربی الهی برای او باشند تا با او

صحبت کند و هم‌زبان شود و برای آشنا کردن او با اسلام وقت صرف کند. چهل-پنجاه سال قبل، فردی روستایی در مسجد به من مراجعه کرد که قرائت او در نماز اشکالات متعدد داشت. او می‌گفت به چند روحانی مراجعه کرده است اما نتوانسته‌اند مشکل را حل کنند. من با کمک خداوند متعال برای اصلاح قرائت او حدود دو ماه، هر شب یک ساعت وقت صرف کردم تا مشکل کاملاً برطرف شد.

مسلمان باید بداند احکامی که از سوی خداوند متعال به عهده‌ی او گذاشته شده است برای ساخته شدن جو و جامعه است؛ تا جامعه نمازخوان و روزه‌گیر شود و به گونه‌ای باشد که از گناه و مخالفت با حکم حق تعالی خجالت بکشد. نه این که در ماه مبارک برای لجبازی با یک روحانی که در خیابان می‌بیند، علناً روزه‌خواری کند.

حجاب به ظاهر یکی از احکام الهی است که به دستور رضاشاه پای‌مال شد. اما در نتیجه‌ی این کار، جامعه را ضایع کردند و امنیت اخلاقی و امنیت خانوادگی را از بین بردند. در این شرایط، جوان‌ها برای درس خواندن تمرکز ندارند. دشمنان با فرستادن اتوموبیل‌های رنگارنگ، امنیت مالی جامعه‌ی ما را از بین بردند. کاسبی که بعد از ده سال، خود را از خرید این کالاها ناتوان می‌بیند، برای جبران عقب‌افتادگی خود بدون توجه به حلال و حرام، در کسبی وارد می‌شود که درآمد کافی به دست آورد.

اما فرهنگ اسلام این است که "أَسْرَ ذَهَبِكَ وَ ذِهَابِكَ وَ مَذْهَبِكَ". اگر انسان نداند چه کسی پول‌دار است، روح او هم صدمه نمی‌خورد. اگر انسان شعور مذهبی پیدا کند، فرزندان خود را متوجه می‌کند که چه بسا رانندگان این اتوموبیل‌های گرانبیامت، اموال دیگری ندارند. عده‌ای از این افراد اظهار می‌کنند که برای کسب آبرو و اعتبار در محیط کاسبی از این اتوموبیل استفاده می‌کنند. چنین فردی از حلال و حرام باکی ندارد.

ما به ظاهر دین قناعت کرده‌ایم و وقت صرف نکرده‌ایم که نسبت به دین شعور پیدا کنیم. انسان فاقد آگاهی توان روشن کردن فرزندان خود را ندارد. جامعه‌ی مسلمین باید امنیت مالی داشته باشد. فاصله‌های زیاد بین طبقات فقیر و غیر فقیر باید کم شود. برای این امور احکامی مانند کفارات، زکوات، صدقات و وجوهات قرار داده شده است. این دستورات برای این است که یک فقیر زحمتکش خود را با یک سارق مقایسه نکند. مؤمن وظیفه دارد امنیت مالی طبقات مختلف جامعه را حفظ کند. کسی که وظیفه دارد امنیت اخلاقی و اجتماعی و روحی جوان‌ها را حفظ کند، این مطالب را درک می‌کند.

یکی از جوان‌های نمازگزار می‌گفت هنگام انتخاب همسر با او شرط کرده که نماز بخواند. آیا این نماز خاصیت دارد؟ آن خانم هم با توجه به وضعیت مالی مناسب خواستگار شرط را پذیرفته بود. کسی به این جوان نگفته است که این نماز، نماز نیست. اما علت این که همسر دیگری را انتخاب نکرده است این است که ظاهر او را پسندیده است. او فرمایشات معصومین صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین را در مورد خواستگاری کردن و همسر گرفتن فراموش کرده است.

در حدیث نبوی از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وارد شده است: "إِيَّاكُمْ وَ خَضْرَاءَ الدَّمَنِ". مراقب باشید گرفتار زیبایی ظاهر کسی نشوید که در منازل پست بزرگ شده و فاقد شخصیت انسانی باشد. "خَضْرَاءُ الدَّمَنِ" سبزی‌هایی است که در سرگین چهارپا می‌روید و در واقع جو هضم نشده است که پس از خروج از بدن چهارپا، در معرض نور و رطوبت سبز می‌شود. مردم از این فرمایش حضرت تعجب کردند زیرا استفاده نکردن از این سبزی امری واضح بود. حضرت فرمودند: "الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنْبَتِ السَّوءِ"، زن زیبایی که در منبت و خانواده‌ی پست، بد، کثیف، آلوده، دور از انسانیت و الهی بودن رشد کرده است، را به عنوان همسر انتخاب نکنید.

در منتهی‌الآمال آمده است که در موارد متعدد، معصومین صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین برای همسر پیدا کردن برای فرزندان خود، که بعداً مادر یک معصوم دیگر شود، به چه روشی عمل می‌کردند، هرچند در بنی‌هاشم دختران و جیهه هم وجود داشتند. در یک مورد حضرت نماینده خود را می‌فرستند تا برده‌ای را که به ظاهر ضعیف و مریض

احوال است را با قیمتی غیر متعارف خریداری کند. ائمه‌ی ما صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین بی‌سلیقه نبودند و پسران خود را هم دوست داشتند.

زندگی سراسر با اخلاص معصوم صلوات‌الله‌علیهم و مشکلات ناشی از عدم اخلاص

«وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»، تمام وجود معصوم صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین اخلاص بود و هیچ شریکی برای خدای متعال قائل نمی‌شدند. نماز خواندن، همسر برای فرزند گرفتن، غذا خوردن، مهمان دعوت کردن و سایر امور زندگی ایشان، سراسر با اخلاص و مخصوص خدای خودشان به انجام می‌رسید و عبادت بود. افزایش آمار طلاق در جامعه‌ی ما ناشی از عدم توجه به این نکات است.

از طرف مقابل هم خانواده دختر در جستجوی خواستگاری هستند که وضعیت مالی او چشمگیر باشد. ابتدا از محل منزل او سوال می‌کنند. کسی از نماز او یا از مربی انسانی-الهی او و یا اینکه در کدام مجلس مذهبی شرکت می‌کند، چیزی نمی‌پرسد. از این زمینه و جوی که ما برای استمرار جامعه‌ی خود ساخته‌ایم، توقع داریم چه نتیجه‌ای حاصل شود؟ بعضی افراد دختر خود را به ازدواج شخصی در می‌آورند که او را به خارج از کشور ببرد. در یکی از این موارد، دختر پس از اینکه به همراه همسر خود به خارج از کشور رفت، با گذشت چند ماه خانه را ترک کرد. بعد از مدتی متوجه شدند که مسیحی شده است و با آن‌ها رفت‌وآمد می‌کند. واسطه‌ی این ازدواج هم فردی متدین و نماز شب‌خوان بود که در این جلسه هم شرکت می‌کرد. آیا این فرد شعور الهی دارد و معنی دین را فهمیده که چرا خدای متعال این احکام را برای ما قرار داده است؟

علت این که این فرد متدین مرتکب این خطا می‌شود این است که حضور او در این جلسه برای فراگیری مطلب نیست. او در جلسات متعدد شرکت می‌کند تا اظهار کند که من با روحانیون سرشناس ارتباط دارم. کسی که با این انگیزه آمده است، چیزی یاد نمی‌گیرد. فرد دیگری که سال‌ها با من آشنا بود، از من می‌خواست که در رابطه با مسئله‌ای شرعی، مطابق خواسته‌ی او نظر بدهم. مرحوم حاج‌آقا رضوان‌الله‌علیه می‌فرمود برخی از مردم این قدر فریبکار هستند که پشت سر یک روحانی جمع می‌شوند و با خواندن تکبیرات روز عید فطر، او را در جهنم می‌اندازند و خود برمی‌گردند و دوباره دیگری را می‌برند.

البته خدای متعال به کسی که لباس روحانی را به تن می‌کند، تحمل چنین مشکلات و قدرت مقاومت در مقابل چنین خواسته‌هایی را هم می‌دهد. در روایت آمده است که به حضرت موسی علی‌نبینا و آله‌وعلیه‌السلام خطاب شد که "یا مُوسَى أَشْكُرْ نِعْمَاتِي". به خدای متعال عرض کرد: خدایا به من اجازه بده که نعمت‌های تو را در ذهن مرور کنم و سپس شکر کنم. پس از مدتی برگشت و عرض کرد: خدایا، من عاجز از شکر نعمت‌های تو هستم. خطاب رسید: "یا مُوسَى، أَلَانَ شَكَرْتَ نِعْمَاتِي". الان که اظهار عجز کردی، شکر کامل را به جا آوردی.

نتیجه این که اولیای معصومین صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین با پیاده کردن احکام-مثل نماز-جامعه‌ساز هستند. ایشان اقامه‌ی نماز می‌کنند، ولی در مورد امثال ما، حق تعالی یا معصوم صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین در هیچ آیه یا زیارتی، نفرموده‌اند که این‌ها اقامه‌ی نماز می‌کنند، بلکه این کار معصوم صلوات‌الله‌علیهم است. این بزرگواران به تمام حکمت‌های احکام دین واقف هستند و طبق آن به عمق جامعه‌سازی کردن می‌پردازند.